

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

# ایسکرا ۵۶۷

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنش باز گرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۳۱ فروردین ۱۳۹۰، ۲۰ آوریل ۲۰۱۱

سردبیر: عبدال گلپریان

## حاکمان ناسیونالیست کردستان عراق در میدان آزادی سلیمانیه به روی مردم آتش گشودند

## دوران حکومت طوایف و دارودسته های مسلح در کردستان به سر رسیده است



به گزارش حزب کمونیست کارگری  
چپ عراق در این روز همانند روزهای  
گذشته افراد و شخصیت‌های سیاسی و  
دیگر جریان‌های چپ و رادیکال برای  
شرکت کنندگان حاضر در میدان  
آزادی سلیمانیه سخنرانی کردند.  
هنگامی که فاروق رفیق عضو  
انجمن موقت میدان آزادی شهر  
صفحه ۶

روز یکشنبه و در شصتیمین روز  
از اعتراضات مردم آزادیخواه  
شهر سلیمانیه و دیگر شهرهای  
کردستان، هزاران نفر از زنان، مردان  
و جوانان آزادیخواه و دانشجویان  
دانشگاه شهر سلیمانیه در میدان  
آزادی این شهر تجمع کردند و یکبار  
دیگر قاطعانه بر خواسته‌ها و  
مطالبات خود پافشاری کردند. بنا  
صفحه ۲

هستند تا با اشغال میدان آزادی و  
دیگر میادین شهرها، صدای حق  
طلبانه مردم را خفه کنند.

طی حاکمیت احزاب بارزانی و  
طالبانی در کردستان و بویژه در  
دوماه اخیر برای مردم روشن شد که  
حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد  
ابتدا برای بخانه فرستادن مردم به  
وعده و فریب متوصل شدند. کسی  
برای این وعده‌ها تره خورد نکرد و  
مردم در این مدت با استقامت بر  
خواستهای خود اصرار ورزیدند. اما  
امروز این حاکمان شمشیرهایشان  
را از رو بسته و بعد از دوماه  
سرکوب، کشتن و زخمی کردن  
مردم اعلام کرده اند که نیروهایشان  
همراه با هرگونه سلاحی که لازم  
باشد را برای مقابله با تظاهرات و  
صفحه ۲

روز از حرکت اعتراضی مردم بود  
که توسط ماموران امنیتی، پلیس  
و آسایش حکومت مورد یورش  
قرار گرفت. بیش از ۲۰۰ نفر را با  
گلوله، گاز اشک آور و چوب و  
سنگ و چماق زخمی کردند اما  
مردم آزادیخواه شهر سلیمانیه به  
همراه سخنگویان خود در انجمن  
موقت میدان آزادی بر این مسئله  
پافشاری کردند که تا تحقق تمام و  
کمال خواسته‌هایشان ساکت  
نخواهند نشست و این اعتراض و  
مبارزه را با موفقیت بسرانجام  
خواهند رساند. حکومت طالبانی  
بارزانی در تلاشند تا با میلیتاریزه  
کردن شهرها مانع از حضور مردم  
در گردهماییها، تظاهرات و  
اجتماعات خود شوند. به همین  
منظور در تدارک گسیل نیروی  
بیشتری از نیروهای سرکوب خود  
صفحه ۲



عبدال گلپریان

بیش از دو ماه از اعتراض و  
مبارزه مردم شهرهای کردستان  
عراق علیه فقر و نابرابری ۲۰ ساله  
حاکمان کردستان عراق می گذرد و  
مردم همچنان با استقامت و روحیه  
ای بالا برای تحقق خواسته‌هایشان  
در خیابانها و میدانهای شهرهای  
کردستان به تظاهرات و تجمعات  
خود ادامه می دهند. روز یکشنبه  
۱۷ آوریل مصادف با شصتیمین  
صفحه ۱۷

### اسلام و اسلام زدایی

مصاحبه با "نگاه" نشریه کانون پژوهشی نگاه، دفتر اول، ژانویه ۱۹۹۹

منصور حکمت

صفحه ۴

یازدهمین روز اعتصاب در پتروشیمی ها:

اعتصاب و تجمع هزاران کارگر پتروشیمی ها ادامه دارد دولت تلاش میکند میان کارگران تفرقه ایجاد کند

صفحه ۳

جنایات جمهوری اسلامی در اهواز و شهرهای اطراف شدیداً محکوم است!

صفحه ۳

کارگران شرکتی در پایتگاه آبادان وارد دومین روز اعتصاب شدند

صفحه ۳

نا امنی محیط کار جان و زندگی خانواده‌های کارگران را نیز تهدید می کند

صفحه ۶

## به سازمانهای کارگری در سراسر جهان

پخش شده است و گفته میشود قرار  
است بیش از صد نفر نیز در اصفهان  
اعدام شوند.  
این درحالیست که هم اکنون  
منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا  
شهابی، غلامرضا غلامحسینی از  
اعضای هیات مدیره سندیکای  
شرکت واحد و رضا رخشان رییس  
هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت  
صفحه ۲

جمهوری اسلامی برای مقابله با  
اعتراضات مردم و از وحشت  
انقلاب و سرنگونی، شمشیر اعدام را  
بالای سر جامعه نگه داشته است. هر  
از چندی، عدای را اعدام میکنند و  
اکنون اعلام کرده اند که، شیرکو  
معارفی را در اول ماه مه روز جهانی  
کارگر اعدام خواهند کرد. همچنین  
خبری دال بر احتمال اعدام حبیب  
لطیفی یکی دیگر از زندانیان سیاسی  
صفحه ۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ به سازمانهای کارگری ...

آزادی کارگران و زندانیان سیاسی از زندان اعلام کرده ایم، انتظار داریم که به هر شکلی که میتوانید از اعتراض ما حمایت کنید و به صف اعتراض ما بپیوندید.

شما مطلع هستید که هر سال جمهوری اسلامی در آستانه اول مه اعدامها را شدت میدهد. احضار و تهدید بر روی فعالین کارگری و تشکلهایشان را شدت میدهد. اقدام قدرتمند ما در ۲۲ آپریل پیشگیری از این جنایتها و فشارها نیز خواهد بود. بویژه حتما اطلاع دارید که هم اکنون هزاران کارگر پتروشیمی ماهشهر در جنوب ایران در اعتراض به قراردادهای موقت خود از طریق پیمانکاران، و سطح نازل دستمزدها و دستمزدهای پرداخت نشده و زندگی چندین برابر زیر خط فقرشان در اعتصاب بسر میبرند. حمایت شما از کارگران

صفحه ۵

تپه و بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری و فعال دفاع از حقوق کودک هم اکنون در زندانند. منصور اسانلو در وضعیت جسمی بدی بسر میبرد و بنا بر اخبار سه رگ قلب او مسدود شده و نیاز به معالجه فوری دارد، اما جانینان جمهوری اسلامی از دادن مرضی به او خودداری کرده اند. در همین هفته نیز قرار بود علی نجاتی یکی دیگر از اعضای هیات مدیره سنسینکای نیشکر هفت تپه در ۱۲ آپریل مجدداً به دادگاه برده شود که متأسفانه در ۱۰ آوریل دچار سکنه قلبی شد و دادگاه هم برگزار نشد. و اکنون او در بیمارستان بسر میبرد.

ما روز ۲۲ آپریل را همراه با کمیته بین المللی علیه اعدام، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و دیگر سازمانها و نهادهای دیگر، بعنوان روز اعتراض جهانی علیه اعدام و برای

و توان جنبش انقلابی مردم کردستان، احزاب سیاسی چپ و کمونیست و سخنگویان شان با هوشیاری تمام تا کنون این طرح و ترفندها را نقش بر آب کرده است. کارنامه ۲۰ ساله احزاب بارزانی و طالبانی و همچنین دیگر اپوزیسیونی که تا چندی پیش خود در حاکمیت بودند، برای هر انسان آزادیخواه و شرافتمندی در کردستان رو شده است. حاکمان ناسیونالیست کرد در ۲۰ سال گذشته با چپاول و دزدی، با فساد اداری و امروز با سرکوب آشکار برای حفاظت از منافع و بقای خود دارند دست به کشتار مردم می زنند.

خواست و مطالبات انسانی، آزادیخواهانه و برابری طلبانه در شهرهای کردستان و در سلیمانیه بعنوان قلب تپنده حرکت رادیکال مردم همراه با احزاب و نیروهای سیاسی چپ و کمونیست در آنچنان موقعیتی قرار دارد که هر گونه سازش و مصالحه حکومت با اپوزیسیون درون حکومتی را از بالای سر مردم عقیم سازد. تلاش هر دو طرف برای توافق از بالا و برای بخانه فرستادن مردم است. احزاب و نیروهای چپ و سکولار و همچنین انجمن موقت میدان آزادی وظیفه بسیار مهمی را در این شرایط حساس و تاریخی بر عهده دارند. احزاب سیاسی چپ و کمونیست باید بتوانند نیروی اجتماعی هر چه وسیعتری در جامعه کردستان را بیشتر از پیش حول خواست و مطالبات انسانی، آزادیخواهانه و برابری طلبانه سازمان داده و در میدان اعتراض و مبارزه شان علیه حاکمیت نگه داشته، هدایت و رهبری کنند. اعتراض، مبارزه و تجمع دوماهه مردم در شهرهای کردستان عراق بویژه در شهر سلیمانیه، ماهیت ارتجاعی، و ضد انسانی احزاب ناسیونالیست کرد را در برخورد به این تجمعات را برای هر ناظر بی طرف یا متوهمی برملا کرده است.

از سوی دیگر بر بستر اوضاع سیاسی و مبارزات توده ای مردم در کردستان عراق، احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان ایران



نجات نخواهد داد.

مردم آزادیخواه و برابری طلب شهرهای کردستان عراق که برای رسیدن به یک زندگی انسانی و مطابق با معیارهای دنیای امروز مبارزه می کنند، اکنون دیگر کوچکترین توهمی نسبت به حاکمیت ارتجاعی، عشیره ای حاکمان کردستان عراق ندارند. برای مردم و کارگران در کردستان نیز کاملاً روشن است که جریان بنام گوران که ادعای اصلاح طلبی دارد و همچنین دو حزب اسلامی مرتجع دیگر که تا دیروز در حکومت سهیم و شریک بودند، نق زدن امروزشان در شکل اپوزیسیون فقط برای سهم خواهی بیشتر در حکومت است و اینها نیز قادر نخواهند بود مبارزه مردم را به بیراهه ببرند. حزب گوران فاقد کوچکترین اصلاحات برای زندگی مردم است. از ابتدا نیز بخاطر امتیازات بیشتر به اپوزیسیون تبدیل شده نه بخاطر خواست و مطالبات مردم. اینها تلاش می کنند بر موج اعتراض مردم سوار شده تا سهم بیشتری از حکومت نصیبشان شود.

در دو ماه گذشته بارها هر سه حزب اپوزیسیون در مذاکراتی که با دو حزب اصلی حاکم یعنی طالبانی و بارزانی داشته اند، هر دو طرف کوشیده اند تجمعات و اعتراضات میدان آزادی سلیمانیه و دیگر شهرهای کردستان را لاپوشالی کنند و زور خود را زده اند تا بلکه حرکت اعتراضی مردم را در کاسه اپوزیسیون ریخته و با مذاکره و مصالحه از بالا به توافقاتی برسند و مردم را بخانه بفرستند. اما ظرفیت

تجمعات مردم بکار خواهند گرفت. این البته سیاستی متفاوت از آن سیاستی است که پیشتر رئیس پارلمان کردستان در جهت برآورد کردن بعضی از خواسته های مردم وعده داده بود. سیاست سرکوب و توحش نیروهای حکومت را باید بر مبنای دیدار جلال طالبانی و نچیروان بارزانی با سران حکومت ایران از یک سو و از سوی دیگر دیدار یکی از نمایندگان دولت آمریکا با حاکمان اقلیم کردستان مورد ارزیابی قرار داد. بعد از این دو ملاقات سیاست احزاب حاکم در کردستان عراق با آنچه که قبلاً در دادن وعده های سر خرمن ادعا می کردند با هم فرق دارد. قطعاً مردم مبارز و انقلابی شهرهای کردستان عراق همراه با احزاب سیاسی و چپ این سیاست خشن و سرکوبگرانه را نقش بر آب خواهند کرد.

مردم آزادیخواه کردستان این دارو دسته های ناسیونالیست حاکم را بعنوان نمایندگان تجار، مالکان و بورژوازی عقب مانده کرد در کردستان می شناسند. این شاخ و شانه کشیدنها نیز برای مردم بیشتر از پیش آشکار شد که احزاب ناسیونالیست حاکم بر کردستان عراق کوچکترین تفاوتی با حکومت های سرکوبگر، دزد و چپاولگر منطقه ندارند و نشان داده اند که برای حفاظت از منافع طبقاتی خود به هر جنایتی و در همسویی با حکومت اسلامی و آمریکا علیه مردم و کارگران دست می زنند. این سیاست سیاسی شکست خورده است و حاکمان ناسیونالیست کرد را در محاصره و بحرانی که در آن گرفتار آمده اند

به خواسته های انسانی مردم در کردستان ایران نیز هست. تاریخ مصرف جریانات ناسیونالیست عشیره ای کرد مدت هاست بسر آمده است. مردم خواهان یک زندگی انسانی هستند که در آن به حرمت، کرامت، آزادی و برابری شان احترام گذاشته شود. حاکمان کردستان عراق و جریانات ناسیونالیست کرد توان و قدرت پاسخگویی به این خواسته ها را ندارند. موجودیتشان در تناقض و تعارض با آرزوهای مردم است و بنابر این باید کنار بروند تا مردم در انتخاب آزادانه خود و از طریق نمایندگان منتخب و واقعی خود قدرت را بدست بگیرند. این روند آغاز شده است و تنها مانع رسیدن به این آرمان و آزادی انسانی شان حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد و سرکوب و کشتار هر روزه ای است که علیه آنان انجام می دهند. باید مردم آزادیخواه شهرهای کردستان عراق را که شایسته عمیق ترین و بیشترین حمایتها برای رسیدن به خواسته های انسانی شان هستند، تا رسیدن به مطالباتشان همچنان مورد حمایت و پشتیبانی قرار داد.

۱۹ آوریل ۲۰۱۱

## یازدهمین روز اعتصاب در پتروشیمی ها: اعتصاب و تجمع هزاران کارگر پتروشیمی ها ادامه دارد دولت تلاش میکند میان کارگران تفرقه ایجاد کند

## جنایات جمهوری اسلامی در اهواز و شهرهای اطراف شدیداً محکوم است!

ولی بخش زیادی از امتیازهای کارگران استخدامی با پتروشیمی ها را توسط شرکتهای فعلی به کارگران پرداخت نمایند. این عقب نشینی نسبی تلاش کارفرمایان و دولت برای ایجاد تفرقه در میان کارگران است. کارگران اما اعلام کردند که همچنان بر خواست خود مبنی بر پایان دادن به شرکت های پیمانکاری و عقد قرارداد مستقیم با کارفرمایان تاکید میکنند و تا زمانی که به آنها پاسخ داده نشود به اعتصاب و تجمعات اعتراضی خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری کارگران کلیه پتروشیمی های اعتصابی را به حفظ وحدت و یکپارچگی و هوشیاری در مقابل توطئه های کارفرمایان و دولت برای ایجاد دودستگی میان آنها تاکید میکند.

زنده باد کارگران اعتصابی  
پتروشیمی ها در ماهشهر  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست کارگری ایران  
۳۰ فروردین ۱۳۹۰  
۱۹ آوریل ۲۰۱۱

کارگران پتروشیمی های ماهشهر امروز نیز به اعتصاب و تجمعات خود ادامه دادند. دیروز به اطلاع رساندیم که ظریف کار مدیر عامل شرکت و یکی از نمایندگان مجلس رژیم اعلام کردند که دستورالعمل اجرائی کردن خواست برچیدن شرکت های پیمانکاری در دست بررسی است و با خواست کارگران برای مذاکره موافقت کردند و قرار بود امروز این نشست شروع شود. طبق گزارشی که امروز به حزب کمونیست کارگری رسیده است، تعدادی از مسئولین شرکت ها امروز با حضور در جمع کارگران پتروشیمی بندر امام اعلام کردند که توانسته اند موافقت وزارت نفت را برای دادن امتیاز هائی جلب نمایند. از جمله اینکه قراردادهای کارگران با شرکتهای پیمانکاری پابرجا باشد

طبق این گزارش روز قبل کارگران مجتمع های امیرکبیر، بندر امام، فجر، رازی، اروند، تندگویان، بوعلی سینا و خوزستان در مقابل محل های کار خود تجمع کردند و بر تحقق خواستههایشان پافشاری کردند.

## کارگران شرکتی در پالایشگاه آبادان وارد دومین روز اعتصاب شدند

تجمع اعتراضی زدند. اعتصاب و تجمع اعتراضی امروز نیز ادامه یافت. خواست کارگران پالایشگاه آبادان لغو قرارداد با شرکت های پیمانکاری و انعقاد قرارداد مستقیم با پالایشگاه است. لازم به توضیح است که تعدادی از این کارگران از دو ماه قبل اخراج شده اند.

خواست برچیدن بساط پیمانکاران خواست کل طبقه کارگر ایران است. ده هزار کارگر پتروشیمی های ماهشهر یازده روز است در جدال قاطعانه با دولت و کارفرمایان هستند که این خواست بحق خود را به آنها تحمیل کنند و اکنون کارگران



طبق گزارش یکی از خبرنگاران حزب کمونیست کارگری، کارگران شرکتی پالایشگاه آبادان که عمدتاً در بخش تعمیر و نگهداری پالایشگاه مشغول کار هستند، از روز ۲۹ فروردین دست به اعتصاب و

میکنیم تا در صفی متحد علیه جمهوری اسلامی این عامل بلافضل فقر و فلاکت و تبعیض و بی حقوقی به میدان بیابند. جمهوری اسلامی کوشیده است تا با تکیه بر ناسیونالیسم فارس و نفرت پراکنی "ضد عرب" بین مردم تفرقه و جدایی اندازد. از آنسو ناسیونالیسم عربی هم دقیقاً در خدمت همین جدایی بین انسان های کارگر و زحمتکش عمل کرده است. هرچند گزارشاتی که به حزب رسیده است حاکی از این است که مردم و جوانان منتسب به عرب و فارس در این اعتراضات در کنار یکدیگر و در مقابل نیروهای سرکوب بمیدان آمده اند. این اتحاد و یکپارچگی باید بیش از این تقویت شود. باید این دیوارهای کاذب و مخرب جدایی را فروریخت. باید همه مردم کارگر و زحمتکش، همه زنان و مردان آزادیخواه یکصدا و متحد،

دوش به دوش هم جمهوری اسلامی را به نیروی انقلابی خود سرنگون کنند و حاکمیت مستقیم خود را برقرار کنند. حکومتی که آزادی، کرامت و رفاه انسان اساس آنست، تجلی اعمال اراده شهروندان متساوی الحقوق است و به همه تبعیضات مذهبی و قومی و جنسی پایان میدهد.

سرنگون باد جمهوری اسلامی  
زنده باد انقلاب انسانی برای  
حکومت انسانی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۹ فروردین ۱۳۹۰  
۱۸ آوریل ۲۰۱۱

از پنجشنبه ۲۵ فروردین جمهوری اسلامی به جنایاتی گسترده علیه مردم مناطق عرب زبان اهواز، شهرها و شهرک های اطراف آن دست زده است. بنا به خبرها در حملات نیروهای جنایتکار اسلامی تعدادی کشته، تعدادی مجروح و تعداد قابل توجهی دستگیر شده اند. در روزهای گذشته عملاً نوعی حکومت نظامی در این مناطق برقرار بوده است. این وحشیگری رژیم مستاصل اسلامی برای مقابله با فراخوان به تظاهرات در روز جمعه ۲۶ فروردین (در ششمین سالگرد تظاهرات وسیع مردم "شلنگ آباد" و دیگر مناطق محروم و عمدتاً عرب نشین اهواز) بود که از سوی جوانان و تحت تاثیر انقلابات اخیر در مصر و تونس و سایر مناطق و از طریق اینترنت سازمان یافته بود.

حزب کمونیست کارگری هجوم سبانه جمهوری اسلامی به مردم اهواز و شهرهای اطراف را بشدت محکوم میکند. با همه داغداران این جنایات عمیقاً اظهار همدردی میکند و خود را در کنار همه مردم زحمتکش، فقیر و محروم در اهواز و شهرهای دیگر خوزستان در مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی و برای تحقق خواستههای بحق شان میداند. ما خواهان آزادی فوری همه دستگیر شدگان وقایع اخیر و همه زندانیان سیاسی و برچیدن شرایط پلیسی حاکم بر شهر و محلات و معرفی و محاکمه آمرین و عاملین جنایات اخیر هستیم.

ما همه مردم کارگر و آزاده  
اهواز و شهرهای خوزستان را دعوت

## کارگران مبارز صنعت نفت، رفقا،

حتی اگر حرکت اخیر شما فوراً مبشر انقلاب علیه رژیم کثیف اسلامی نباشد، شک نیست که این کارگرانند که شیور انقلاب را در آینده ای نه چندان دور بصدا در خواهند آورد. شرط پیروزی اینست که اینبار طبقه کارگر در راس این جنبش بماند. آغاز شکست انقلاب ۵۷ آنجا بود که مهدی بازرگان و گله ای از دیگر عوامل ارتجاع اسلامی، به خرج رژیم سلطنت و با هلیکوپتر ارتش برای خواباندن اعتصاب و بیعت گرفتن با خمینی سراع شما آمدند. اگر تجربه خونبار رژیم اسلامی یک درس داشته باشد، اینست که کارگر باید در صحنه سیاسی با حزب و افق و برنامه مستقل خود ظاهر شود. این اساسی ترین فراخوان ما به شما است.

منصور حکمت



## اسلام و اسلام زدایی مصاحبه با "نگاه" نشریه کانون پژوهشی نگاه، دفتر اول، ژانویه ۱۹۹۹

منصور حکمت



به نقل از انترنشنال، نشریه  
حزب کمونیست کارگری ایران،  
شماره ۲۸ - اسفند ۱۳۷۷

**نگاه:** وجود و عملکرد جریانات و دولت‌های اسلامی در سال‌های اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا، در عین حال سبب اختلافاتی در برخورد به مذهب و جریانات و دولت‌های مذهبی شده است. هستند کسانی که میگویند "دولت‌ها و جریانات اسلامی و مذهب اسلام را باید از هم جدا کرد. آنچه که در این کشورها میگذرد، ربطی به اسلام ندارد و ناشی از درک و استنتاج غلط این جریانات و دولت‌ها از اسلام است". به علاوه میگویند "باید علیه مذهب موضع گرفت و حرفی زد، چون این توهین به عقیده مردم است و باعث تفرقه بین آنها میشود... نظر شما در این مورد چیست؟"

**منصور حکمت:** من این را درک میکنم که منافع عده‌ای چنین اقتضا میکنند که تا حد امکان اسلام را از زیر تیغ خشم مردمی که قربانی یا شاهد جنایات غیر قابل توصیف اسلامیوناند، بدر ببرند. من این را درک میکنم که ابعاد این جنایات و این هالاکاست [halocaust] چنان است که حتی در میان صف اسلامیون هم کسانی پیدا میشوند که نمیخواهند مسئولیت این همه پلیدی و زشتی را بر عهده بگیرند و لاجرم به نظر من طبیعی است که در چنین اوضاعی بحث "اسلام راستین" و رابطه آن با "اسلام

را بشریت آزاداندیش و آزادیخواه در طول صدها سال در قفس کرده است. این یکی را هرگز نگرفتند و مهار نکردند. چرخ میزند و نکبت می‌آورد.

دفاع از موجودیت اسلام تحت لوای بحث احترام به باورهای مردم، به نظر من بی‌اعتبار و ریاکارانه است. در میان مردم، باورهای مختلفی هست. بنابراین بحث نه بر سر احترام به باورهای مردم، بلکه بر سر انتخاب باورهای قابل احترام مردم است.

هر کس هر چه بگوید، به هر حال همه دارند باورهای باب میل خودشان را انتخاب میکنند. و لاجرم آنها که تحت لوای حرمت باورهای مردم، نقد به اسلام را پس میزنند، دارند فقط انتخاب معنوی و سیاسی خود را بیان میکنند و بس. اسلام را به عنوان یک عقیده قابل احترام برمیگزینند و فقط برای مشروعیت "حلقی" دادن به انتخابشان، عقاید خود را در بسته‌بندی "اعتقادات مردم" عرضه میکنند. من به هیچ خرافاتی، به هیچ ناحقی، حتی اگر همه مردم جهان به آن صحنه بگذارند، احترام نمیگذارم. این را البته حق هر کس میدانم که به هر چه میخواهد باور داشته باشد. اما میان احترام به آزادی عقیده افراد با احترام به عقیده افراد فرق اساسی هست. ما بر فراز جهان ننشسته‌ایم و داور این دنیا نیستیم. بازیگران و شرکت کنندگان در آن هستیم. هر یک گوشه‌ای از این جدال تاریخی - جهانی هستیم که به نظر من از آغاز تا امروز بر سر آزادی و برابری انسانها در جریان بوده است. من به خرافاتی که با آنها در حال جنگم و زجر انسانها را در چنگال آن دیده‌ام، احترام نمیگذارم.

**نگاه:** یک مساله دیگر در این مورد که نه فقط توسط برخی از جریانات سیاسی و مستشرقین و

رسانه‌های گروهی غرب گفته میشود، بلکه در بین بعضی از متفکرین و روشنفکران این کشورها هم طرفدار دارد، این است که مردم این کشورها مسلمانند و آنچه که در آنها جریان دارد، برای مثال موقعیت زنان و حجاب اجباری، جزو فرهنگ و هویت‌شان است. آیا به نظر شما، مردم ایران مسلمانند؟ ایران کشوری اسلامی است؟ و آیا ملاحظات فوق صحیح هستند و باید آنها را رعایت کرد؟

**منصور حکمت:** نفس بسته‌بندی کردن و بسته‌بندی کردن واقعیت مرکبی نظیر یک جامعه، زیر یک برچسب تقلیل‌گرایانه مذهبی یا قومی و ملی، بخودی خود گواه این است که ما با یک تبیین علمی یا حقیقت‌جویانه روبرو نیستیم. کسی که جامعه ایران را جامعه‌ای اسلامی نام میگذارد، درست نظیر کسی که آن را آریایی، شاه پرست، ایرانی، شیعی و غیره توصیف میکند، دارد در قلمرو پروپاگاندا حرکت میکند. سؤال این است که چه کسانی و در چه چهارچوب سیاسی و تاریخی‌ای دارد ایران را جامعه‌ای اسلامی توصیف میکنند و چه نتایجی میخواهند از این توصیف بگیرند. برای مثال معلوم است که رژیم اسلامی باید جامعه ایران را جامعه‌ای اسلامی توصیف کند، تا به وجود یک حکومت اسلامی در جامعه رنگ مشروعیت بزند. واضح است که یک راسیست و مهاجرت‌ستیز غربی باید ایران را جامعه‌ای اسلامط بخواند تا شکاف میان آدمی که از ایران آمده است را با مردم محل باز و پرنشدنی نگاه دارد. واضح است که یک ژورنالیست نان به نرخ روز خور باید این عبارت را استفاده کند و این باور را اشاعه دهد، چون مدل تبلیغی و نگرش محافل سیاسی حاکم در جامعه غربی امروزه این است. به همین ترتیب محافل دانشگاهی از این الگو تبعیت میکنند، افکار

عمومی در این جهت سوق داده میشود و غیره.

واقعیت این است که این اسم‌گذاری و دسته‌بندی کاذب است. هدف این اسم‌گذاری، از هر سو که باشد، این است که کاراکتر اسلامی قوانین و مناسبات حاکم بر جامعه ایران، نه محصول یک تحمیل و فشار سیاسی، بلکه ناشی از نگرش و باورهای خود مردم قلمداد شود. اگر واقعا حجابی بر سر زنان ایران است، انتخاب خودشان باشد و از نگاه اسلامی‌شان به جهان مایه بگیرد، چقدر وجدانها در غرب آسوده‌تر میشود، چقدر معاملات و بند بست‌های رژیمهای دموکرات و لاس زدن روشنفکران و ژورنالیستهای یابی [yuppie] غربی با دولت ایران موجه میشود، چقدر خفه کردن صدای اعتراض زن آزاده و اپوزیسیون انقلابی ایران به عنوان عده‌ای ناراضی افراطی و "جدا از مردم" ساده‌تر میشود. بسته‌بندی مذهبی و فرهنگی و قومی و ملی مردم، همیشه قدم اول در انکار حقوق یونیورسال و جهان شمول آنها به عنوان انسان است. اگر نسل‌کشی در رواندا [Rwanda] ادامه یک سنت آفریقایی است، اگر سنگسار یک رسم اسلامی مردم ایران است، اگر حجاب بخشی از فرهنگ زن در "جامع اسلامی" است، اگر شوهر دادن دختر نه ساله رسم و رسوم خود مردم آن ممالک است، آنوقت واقعا میشود فراموششان کرد، میشود تحقیق‌شان کرد، میشود بمبارانشان کرد و در پشت دیوار بلند مدنتی و دموکراسی غربی زیر دست حکام خودشان رهپیشان کرد. اما اگر معلوم شود که این انسانها چون دیگران در جامعه‌ای سرمایه‌داری و در یک بازار جهانی، تولید و زیست میکنند، اگر معلوم شود که این راه و رسم‌ها و قوانین اسلامی به زور زندان و شکنجه‌گاه و اعدام و

از صفحه ۴ **اسلام و اسلام زدایی...**

گشت خیابانی و دشمنه و اسید و سنگسار به اینها تحمیل شده است، اگر معلوم شود که این مردم نظیر همه جای دیگر تشنه آزادی و برابری و رفع تبعیض اند، اگر معلوم شود که قوی ترین خصیصه این مردم، علیرغم همه این فشارها، عطششان برای فرهنگ و زیست نوع غربی است، آنوقت تمام این عمارت ایدئولوژیکی عوام فریبانه فرومیریزد و خسارات غیرقابل توصیفی به بار می آورد.

چرخشهای بزرگ تاریخی در غرب قیاس کرد. اسلام در روینای خاورمیانه و ایران امروز و در رابطه با اقتصاد سیاسی جامعه کنونی، آن نقشی را ندارد که مسیحیت در دوران عروج سرمایه داری در غرب داشت. تطبیق یافتن اسلام با سیر تکوین اقتصادی این جوامع، مقوله ای فرعی است. این سیر اقتصادی، مستقل از حال و هوای اسلام و چند و چون قدرت تطبیقش با جامعه مدرن به هر حال طی میشود. جامعه ایران احتیاجی به لوتر [Martin Luther] و کالون [John Calvin] ندارد، چون حاکمیت اسلام بر آن نه یک هژمونی عقیدتی، روانشناسانه و ساختاری، بلکه یک سلطه سیاسی و پلیسی است که به طرق سیاسی برانداخته خواهد شد.

**نگاه:** مطبوعات ایران را که ورق میزنید، به بحثهای فراوان و کشفی درباره رابطه حکومت دینی و مردم، دین و آزادی، دین و تعقل، دین و جامعه مدنی و... برمیخورید. در مورد اینها چه فکر میکنید؟ رابطه مذهب و در اینجا اسلام، با حاکمیت مردم و جامعه مدنی و آزادی و تعقل و... را چگونه مبینید؟

**منصور حکمت:** مذهب، ایدئولوژی رسمی یک دولت فوق العاده خشن در ایران است. در نتیجه برای قشر روشنفکری که در ایران زیست میکنند، هر موضوعی باید در متن اسلام و به عنوان گوشه ای از جهان بینی اسلامی بررسی بشود و یا لااقل تنشهایی هر نظری با اسلام حاکم مورد اشاره قرار بگیرد. مباحثی نظیر حقوق بشر، آزادیهای مدنی، نظام سیاسی، سیاست اقتصادی، علم، فرهنگ و هنر و غیره همه مباحث مهم و مبرمی هستند که الیت فکری جامعه در همه جا

دائماً به آن میپردازد. در ایران به همه اینها باید عبارت "اسلام" اضافه شود. این به این معنی نیست که اسلام در خود پروپلماتیک مورد بحث جای علمی مشروعی دارد. این یک اجبار سیاسی است و نه شناختشناسانه

یا حتی تاریخی. این دوره بزودی میگذرد و مجلات ایران به این مفاهیم در یک قالب جدی تر، بدون الزام تطبیق چیزی با اسلام، نشان دادن تناقض چیزی با اسلام، خواهند پرداخت. به نظر من مباحث اپوزیسیون مجاز و منتقدین قانونی در یک رژیم استبدادی هیچ وقت نباید در صورت ظاهر آنها و بر مبنای تعاریف و مقولاتی که خود به دست میدهند، جدی گرفت. مباحث واقعی در جامعه ایران وقتی به جلوی صحنه و صفحات نشریات داخل کشور رانده خواهند شد که اختناق سست شده باشد. بنابراین، راستش من مطالب نشریات روشنفکری داخل کشور را از نظر محتوایی مهم و جدی و مربوط نمیدانم. بیشتر جدال سیاسی ای که پشت رابطه و کشمکش دولت و این مجلات هست به نظر من قابل توجه است.

**نگاه:** به عنوان آخرین سؤال، نظراتان درباره وضعیت جنبش ضد مذهبی در قرن اخیر در ایران چیست؟ فکر میکنید این جنبش چه مختصات و چه جایگاهی در مبارزه و تلاش عمومی توده مردم برای یک زندگی بهتر دارد؟

**منصور حکمت:** هم جنبش مذهبی و هم جنبش ضد مذهبی در ایران برای بخش اعظم قرن بیستم، تحت تأثیر ترندهای بین المللی مهمتری قرار گرفتند که به اینها رنگی متفاوت از کشمکش مذهب و روشنگری در اروپای قرون قبل زد. اشاره من به

انقلاب اکتبر و ظهور شوروی و بالاخره جنگ سرد است. هم اسلام و هم روشنگری ضد اسلامی در متن یک تلاقی مهم تر بین المللی، در ظرفیت های تاریخی دیگری قالب زده شدند، یا شاید بتوان گفت از نو تعریف شدند. روشنگری ابتدا به بخشی از تحرك سوسیالیستی در جامعه بدل شد، اما خیلی سریع با ظهور شوروی به عنوان یک اردوگاه بورژوازی جهانی، عملاً به یک جنبش ابزاری و دم بریده تبدیل شد. به نظر من لبه انتقادی و مذهب ستیزی آزاداندیشانه و بی محابای این جنبش محو شد، چرا که اکنون آخوند ملی و مذهب خلقی، و الهیات رهایی بخشی که میتوانست مؤتلف اردوگاه شوروی در مقابل آمریکا باشد، کشف شده بود و اسلام قابل دفاع یا قابل مدارا یافت شده بود. با استالینی شدن و توده ایست شدن جامعه روشنفکری ایران و ورود

ملاحظات تاکتیکی در برخورد به مذهب به عنوان پدیده ای که از قرار میتوانست علیه سلطنت و آمریکا کارساز باشد، دور ارفاق به اسلام و بعد حتی تطهیر آن شروع میشود. در قطب مقابل، اسلام ضد کمونیست به یک اسلحه قوی غرب در جنگ با کارگر و کمونیسم ایران بدل میشود. این بارورهای مذهبی مردم و قدرت اسلام به مثابه یک دین نبود که جمهوری اسلامی را ساخت، بلکه نیاز موکلین سابق رژیم شاه برای ادامه سیاست سرکوب چپ در ایران بود که اسلام در حال اضمحلال و منزوی خمینی را به

جلوی صحنه کشانید. همه اینها، خیلی خلاصه، به این معناست که جدال آزاداندیشی با اسلام به عنوان یک مذهب به سرعت تحت تأثیر فعل و انفعال بخش های مختلف جامعه، و همینطور قدرت های بین المللی، با اسلام سیاسی و جنبش اسلامی، قرار میگیرد. اگر کسی سی سال قبل از یک موضع آنتیستی بنیاد اسلام را به ریشخند و نقد میگرفت، نه فقط از طرف دستگاه اسلام، بلکه از طرف خلقیون و ضداستبدادیون مورد حمله قرار میگرفت. کما این که امروز هم همان اردوگاهی ها، و کسانی که نگرش سیاسی شان محصول آن اردوگاه است، به ما منتقدین قاطع اسلام و مذهب حمله میکنند. از نظر اینها انقلابیگری و ترفیخواهی نه در کوبیدن اسلام و مذهب، بلکه در کنار آمدن و همزیستی با آن و ابداع یک اسلام "نو" و "امروزی" و غیره است.

به نظر من، امروز جنبش ما (کمونیسم کارگرت) است و نفرت عمیق توده وسیع مردم ایران و بویژه زنان و جوانان در ایران از اسلام، که ماتریال یک تحول جدی ضد مذهبی و اسلام زداییانه را در ایران میسازد. اگر مردم ایران بناست چیزی از جنس سعادت را تجربه کنند، این جنبش باید پیروز شود. مطمئنم که در این مسیر، و با تکان خوردن مردم، یک قشر از روشنفکران آزاداندیش، روشن و روشنگر، به این جبهه خواهند پیوست.

\*\*\*

از صفحه ۲ **به سازمانهای کارگری...**

زندانی، حمایت شما از مبارزات کارگران ایران، یک پشتیبانی بزرگ برای مبارزات این کارگران در آستانه اول مه است. امروز کارگران و مردم ایران به بیشترین حمایت و همبستگی جهانی نیز دارند. در ۲۲ آپریل کنار ما باشید.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۷ فروردین ۹۰، ۱۶ آپریل ۲۰۱۱

شهادت دانشفر ۴۴-۰۰۰۷۷۷۹۸-۹۸۹۶۸  
Shahla\_Daneshfar@yahoo.com  
بهرام سروش ۴۴-۰۰۰۷۸۵۲۳۴-۳۳۸۳۳۴

[Bahram.Soroush@gmail.com](mailto:Bahram.Soroush@gmail.com)

<http://free-them-now.blogspot.com>



Ebrahim Madaei



Ghobadereza Ghobaderezaei



Mansour Doustman



Roya Shakhahi



Bahram Ebrahimi-zadeh

Free jailed workers in Iran

## نا امنی محیط کار جان و زندگی خانواده‌های کارگری را نیز تهدید می کند

سودجویی دولت و مشتی انگل سرمایه دار است که به علت منفعت پرستی شان کوچکترین توجهی به محیط نا امن کار نمی کنند و جان انسان برایشان پیشی ارزش ندارد.

نا امنی محیط کار دائما کارگران را در معرض خطرات جانی، نقص عضو و دیگر خطرات محیط کار قرار داده است. روزی نیست که کارگری بخاطر سودجویی دولت و کارفرما در نا امن قرار دادن محیط کار، قربانی منفعت پرستی سرمایه و سرمایه داران نشود. این واقعه بخوبی گویای این حقیقت است که نا امنی محیط کار، عدم تامین بیمه اجتماعی و حوادث، علاوه بر کارگر، جان و زندگی همسر و فرزندان و خانواده های کارگری را نیز با خطر مرگ و خودکشی مواجه می سازد. به این شرایط برده وار باید اعتراض کرد. تنها با سرنگونی رژیم اسلامی سرمایه داران و برقراری جامعه ای انسانی است که امنیت به محیط کار و زندگی کارگر و خانواده های کارگری باز میگردد.

منبع خبر کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری  
۱۹ آوریل ۲۰۱۱  
۳۰ فروردین ۹۰

در شماره ۵۶۶ ایسکرا خیر کشته شدن يك کارگر ساختمانی در شهرستان دیواندره را به اطلاع رساندیم.

در این خبر آمده بود که: روز سه شنبه ۲۳ فروردین يك کارگر ساختمانی بنام فاروق مصطفایی ۳۱ ساله ساکن روستای "دالان" هنگام کندن پایه دیوار در ساختمانی در شهرستان دیواندره، با فرو ریختن دیوار بر سرش متأسفانه در دم جان خود را از دست داد. فاروق مصطفایی دارای همسر بوده و هیچگونه بیمه تأمین اجتماعی و یا حوادث ندارد.

بنا به خبری که در همین رابطه به ما رسیده است اطلاع یافتیم که روز دوشنبه ۲۹ فروردین همسر فاروق مصطفایی با وجود اینکه حامله بوده است بدلیل یاس و نا امیدی و عدم امکان تأمین زندگی و نبودن بیمه تأمین اجتماعی و حوادث کاری همسرش، دست به خودکشی می زند که متأسفانه جان خود و بچه ای را که در شکم داشته است می گیرد.

نا امنی محیط کار تنها قاتل کارگران نیست بلکه جان همسر و جنین چند ماهه در شکم او را نیز می گیرد. بانی و مسبب کشته شدن این سه انسان، مناسبات حاکم،

و خود را همگام با حرکت اعتراضی و آزادیخواهانه مردم شهرهای کردستان عراق برای رسیدن به خواستههای آزادیخواهانه و برابری طلبانه شان می داند. مردم آزادیخواه و برابری طلب شهر سلیمانیه در شصتمین روز از حرکت اعتراضی خود با استقامت و پایداری کم نظیری تا کنون توانسته اند برای تحقق خواستههای خود همراه با مردم دیگر شهرهای کردستان همچنان در میدان آزادی و خیابانهای شهر سلیمانیه اعلام کنند که این حکومت نمی تواند پاسخگوی خواستههای مردم باشد. اوضاع سیاسی و حرکت اعتراضی دو ماه اخیر مردم شهرهای کردستان عراق گویای این حقیقت است که حاکمان ناسیونالیست کرد دیگر جایی در میان مردم ندارند. حکومتی که نمیتواند به خواست مردم پاسخگو باشد باید برود. ما همچنان از خواست و مطالبات مردم شهرهای کردستان عراق حمایت می کنیم، خواستار محاکمه همه آمران و عاملان تیراندازی به مردم هستیم. دستگیر شدگان تظاهراتهای اخیر و همه زندانیان سیاسی باید فوراً بدون قید و شرط آزاد شوند. از همگان می خواهیم که از اعتراض و مبارزه مردم شهرهای کردستان عراق حمایت کنند.

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ آوریل ۲۰۱۱  
۲۸ فروردین ۱۳۹۰

## حاکمان ناسیونالیست کردستان ...

از صفحه ۱



مسلم حکومت از سه طرف بسوی میدان آزادی حمله کردند و با انواع سلاحها تیراندازی می کردند. بر اساس اخبار رسیده از اورژانس شهر سلیمانیه ۷ نفر بر اثر گلوله ماموران حکومت و ۵۰ نفر نیز بر اثر چوب و چماق ماموران زخمی و چند نفر نیز بازداشت شدند. انجمن موقت میدان آزادی اعلام کرد که تظاهرات و تجمع فردا نیز همچنان ادامه خواهد داشت.

ادعاهای پوچ و دروغین سران حکومت، از طالبانی و بارزانی گرفته تا رئیس حکومت و پارلمان کردستان برای چندمین بار نشان داد که اینها پاسخی جز سرکوب مردم آزادیخواه کردستان ندارند. گسیل نیروهای پلیس و سرکوبگر حکومت به میدان آزادی شهر سلیمانیه و دیگر میادین شهرهای کردستان، ناشی از استیصال و درماندگی احزاب حاکم در پاسخگویی به خواستههای عادلانه مردم کردستان است.

کمیته کردستان حزب برای چندمین بار این اعمال سرکوبگرانه حکومت اقلیم کردستان را محکوم می کند

سلیمانیه و یکی از سخنگویان اعتراضات دو ماه اخیر، گفت که حکم یک ماه زندان به وی اعلام شده است، اعتراض و ناراضی‌تی در میان مردم نسبت به این حکم شدت گرفت.

در همین حال تعدادی از دانشجویان محل تجمع را به منظور راهپیمایی بسوی خیابان سالم تغییر دادند که با نیروهای آسایش، پلیس و امنیت حکومت روبرو شده و ماموران حکومت بسوی آنان تیراندازی کردند. در این لحظه سمیر نوری عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری چپ عراق مشغول سخنرانی در میدان آزادی بود که از سوی ماموران امنیتی بطرف اجتماع مردم در آنجا نیز تیراندازی و پرتاب گاز اشک آور آغاز شد. سمیر نوری سخنرانی اش را به نقش سرکوبگرانه نیروهای حکومت اختصاص داد که با تیراندازی و پرتاب گاز اشک آور و استفاده از چوب و چماق به جان مردم افتاده بودند. اما علیرغم وحشیگری نیروهای حکومت، مردم با مقاومت و درگیر شدن با آنها همچنان در میدان آزادی ماندند. نیروهای

هات بود ۸  
فرکانس: ۱۱۶۰۴  
اف ای سی: ۵/۶  
شکه KBC  
پلازیر ایون: افقی  
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

New Channel  
TV

۹ و نیم تا  
۱۲ و نیم شب  
به وقت ایران



همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!